

## مقدمه:

آنگونه کلماتی می‌باشند که باید نزد تمام افراد جامعه تنها یک مفهوم را تداعی کنند، ولی در کمال تعجب دیده می‌شود که این کلمات بین دانش‌آموز، معلم، استاد، محقق، مردم عادی کوچه و بازار و صاحب داروخانه معانی مختلفی دارند و بالطبع، من هر زمان که در یکی از این سطوح اجتماعی باشم ناخودآگاه بعد از چندی، مفهوم همان گروه را پذیرفته و طرز کارم را بر همان اساس تعیین می‌کنم. این جبری است که شاید فقط اندکی از آن رهایی یابند.

غرض از جملات فوق این بود که نخواستم در

در پاسخ به سئوالی که چند ماه قبل از همکاران پزشک - داروساز پرسیده بودیم مبنی بر اینکه: به نظر شما پزشک یا داروساز آرمانی بایستی واجد چه صفاتی باشد. نامه‌هایی چند دریافت شده، تنی چند به اختصار و چند نفری نیز به تفصیل نقطه‌نظرات خود را در مورد سئوال فوق تشریح نمودند. ملاحظه بفرمائید:

■ به نظر من صفاتی از قبیل موفق و آرمانی، از

# از زبان یاران





می‌خواهم وقتی که پزشک شوم وجودم را در وجود بیماران ادغام و روحم را با روحشان عجین کنم تا درد آنها را با تمامی وجود حس کنم و آنگاه، تمامی عشق و علاقه‌ام را به پایشان بریزم تا غنچه‌های لبخند را بر لبشان شکوفا کنم.

نفسم را با نفسشان همراه می‌کنم و در هر طپش قلبم خون حیات را در بدن نحیفشان جاری خواهم ساخت. همگام و همراه با آنها زندگی می‌کنم، وارد دنیایشان می‌شوم، درد و رنج‌هایشان را می‌شنوم و تعهد را سرلوحه کارم قرار می‌دهم.

حمید رضائی - دانشجوی پزشکی - مشهد

■ شاغلان و عاملان و عالمان علم طب، بی‌شک بایستی آراسته به علم و اخلاق باشند چون پرواز تنها با ۲ شهر میسر است، و کم و بیش می‌دانیم رشد این ۲ بال در خانواده، جامعه و محیط تحصیل آغاز می‌شود، نه علم تمامی دارد و نه اخلاق حدی و مرزی می‌شناسد پس طالبان آن هیچگاه حدی را برای آن تصور نمی‌کنند. داروساز حقیقتی انطباقی با واقعیت‌های حاضر و یا با داروساز واقعی ما ندارد، به محض فارغ‌العلم شدن از دانشکده اقتصاد و مدیریت و حسابداری ماحصل ۶ سال تحصیل علوم پزشکی در داروخانه هستند.

غافل نمایم که داروخانه یک بُعد اقتصادی دارد ولی یک بُعد علمی و مسئولیت هم دارد، چه می‌شد اگر یک وظیفه داروخانه رسیدگی به نسخ پزشکان بود، داروساز طالب علم و اخلاق هیچگاه راضی به نسخه پیچی و سکوت نخواهد بود سکوتی یا از سر

پاسخ به این سؤال زیبا تنها حرفهای قشنگ زده باشم که همگی می‌دانیم چقدر سهل و آسان است. ولی آنچه که اگر آن باشم در درونم احساس آرامش می‌کنم و به غایت تمنای دلم پاسخ مثبت داده‌ام این است: داروسازی موفق است که پیش از هر چیز دیگری، درد مردم کشورش را بفهمد. زشتی فقر و استعمار را با تمام وجود درک کند در آنجا که، زن بُشاگردی، شربت دارویی را که عده‌ای خیرخواه برای درمان فرزندش به او داده بودند، درون یک کاسه همراه با چند تکه نان ترید می‌کند تا شکم کودکش را سیر کند. و همین‌طور موارد مشابه که کم هم نیستند. وقتی پزشک یا داروساز واقعاً درد را لمس کرد و فهمید، دیگر درمانش را خواهد یافت و با توجه به امکاناتی که دارد و راههایی که پیش روست حتماً به جایی خواهد رسید. دیگر فرقی نمی‌کند که در داروخانه مشغول به کار باشی یا کارخانه، مطب یا بیمارستان، محقق باشی یا تنها استاد زیرا نکته این جاست که هر طبیبی برای درمان از راههای گوناگونی استفاده می‌کند.

نرگس سادات باریکانی

دانشجوی داروسازی - شهید بهشتی

■ دلم می‌خواهد، وقتی که پزشک شوم از قطره قطره جام قلبم، زندگی و حیات را در رگ‌های منجمد گشته بیماران تزریق کنم.

آرزو می‌کنم آن روزی که با لباس جراحی وارد جامعه پزشکان می‌شوم تمامی تاروپود و هستی و وجودم را در انگشتانم بریزم و واژه تعهد و مسئولیت را بر جریده عالم نقش بندم.



کم‌دانی و یا از سر تنهایی و بی‌همسفری.

این بیماری کریه و ناپسند با یک تلاش و یک جهش آگاهانه از بین می‌رود اگر که داروسازان ارتباط خود را با کتب و مقالات و مجلات علمی قطع نکنند، اگر که داروخانه یک مرکز اطلاعات درمانی و بهداشتی باشد، اگر که پیگیری نسخ بیماران را وظیفه قانونی و وجدانی خود دانسته و حساسیتی که برای گرفتن حق فنی دارند به همان میزان برای دستور، تداخلات، و مصرف دارو از خود نشان دهند، و از طرف دیگر اگر مشکلات تهیه و توزیع دارو حل شده و عرضه دارو نزدیک به حد تقاضای آن باشد تا مشکلات متعاقب آن بروز نکنند در این صورت می‌توان تا حدی به آن داروساز آرمانی نزدیک شد.

توجه به این نکته لازم است که مشکلات اقتصادی جامعه، فرهنگ غلط مصرف دارو، فرهنگ غلط تجویز دارو و انتظارات بی‌جا و غیراصولی، تا حد زیادی داروسازان را با مشکل مواجه کرده که در صورت حل این مسایل که قابل حل در کوتاه‌مدت نیستند شاید بتوان گامی دیگر به آن داروساز آرمانی که محفوظ از این مسایل بوده و تحت فشار و تغییر شکل نیست، نزدیک شد.

در پایان امیدوارم که همه داروسازان با این حس اعتماد و اطمینان به داروخانه وارد شوند که آنها حافظ یک سری محفوظات ذهنی خشک نیستند بلکه امانت‌دار سلامتی مردم و وارثان صدها اندیشمند و متفکر در طی قرون و اعصار بوده سعی کنند این امانت و این ارثیه را به صاحبانش برسانند.

دکتر لقمان سرابی مگری

■ بعرض می‌رسانم: سؤال بسیار کلی و فراگیر است ناچار جزئیات بسیاری از آن متذرع می‌گردد و برای اینکه بصورت (Objective) ابژکتیو درآیند مطالب زیادی را دربرمی‌گیرند - کلمات موفق و آرمانی مانند کلمه خوشبختی و عدالت مسائلی هستند نظری - فلسفی (Subjective)

کلمات موفقیت و آرمان خواهی از دیدگاه من باین صورت دسته‌بندی می‌شود:

۱- در صورتیکه پزشک یا داروساز موفقیت خود را در پوسته شخص خود (در قالب خویش پرستی) توجیه کند.

۲- و یا عنصر (دیگر پرستی) و اجتماع خواهی را در ارزیابی دخیل بداند.

**تخیلی یا واقعی:** افراد هر یک از دو گروه بالا نیز ممکن است آرمان و موفقیت خود را در عالم حقیقت دنبال کنند و یا در جهان تخیل خود را موفق پندارند (imaginary or ILLUSIVE Success). اینسک توجیه مختصری درباره هر دسته:

**الف** - با فرض اینکه خویش پرستان دسته اول نقش موفقیت را با واقعیت در ذهن ترسیم کنند می‌توان از ۴ صورت نام برد!

۱- **موفقیت اقتصادی:** در این صورت فرد تمام نیروی خود را صرف بالا بردن قدرت اقتصادی شخص خویش می‌کند - اجتماع و علم در نظر اینها یا هیچ است یا فرع پول پرستی (البته آنچنان نیست که همه بی‌علم موفق شوند ولی علم و سواد فرع پول است) - خصوصیت چنین عنصری آن است که مبدل



شده به ماشین جمع پول.

**۲- موفقیت علمی منهای سودپرستی و دیگرپرستی:** این کارا کترها اغلب چهره‌های قانع و درون‌نگری هستند که در انزوا و دور از هیاهو علم را برای علم می‌خواهند - اینها بدرد تحقیقات و تبعات علمی در آزمایشگاهها و محافل تحقیقاتی می‌خورند - فقط موفقیت علمی است که ضمیر آگاه و یا مغفوله ایشان را راضی می‌کند - نتیجه تحقیقات و کارهای این چهره‌های علمی ممکن است بطور ناخواسته بدرد محافل ملی یا جهانی بخورد.

**۳- موفقیت اجتماعی:** بسیاری چهره‌ها نه تنها در ایران بلکه در جهان بوده‌اند که در عین دم زدن در پوسته خودخواهی و خودپرستی توانسته‌اند با کمک عوام فریبی در جامعه گل کنند - اگر روان‌کاوانه در اعماق ضمیر این چهره‌های موفق تفحص شود تنها خودپرستی و عوام‌فریبی نمایان است - خبروتیت پزشکی و داروسازی یا ندارند یا قلیل است - و موفقیت‌شان مدیون خصوصیت عوام فریبانه از یک طرف و خاصیت ساده‌لوحی و ساده‌انگاری جامعه‌ای است که در آن چهره شده‌اند از طرف دیگر - درجه بالای این موفقیت کاذب را می‌توان شیادی نامید.

**۴- موفقیت سیاسی:** در جهان چهره‌های متعددی یافت شده‌اند و می‌شوند که از حرفه پزشکی یا داروسازی بعنوان نردبانی (خواسته یا ناخواسته) مانند نردبانهای بیشمار دیگر برای صعود به اوج قله موفقیت سیاسی استفاده کرده‌اند - از خصوصیات روانی اینها پشتکار - عوام‌فریبی - مگالومانیا (Megalomania) و برون‌فکنی و نارسیم را می‌توان نام برد.

**ب - و اما گروه دوم:** دیگرپرستان - دانشمندانی که جنبه جامعه‌خواهی، دیگرپرستی آنها بر سایر خصوصیات فردی‌شان می‌چربد البته آن چنان نیست که افراد هر گروه را با خطی قرمز قاطعانه از دیگر گروه‌ها مجزا کنیم. انسان طرفه‌معجونی است که در زمانها و مکانهای مختلف و در شرایط سنی گوناگون شخصیت‌های متعددی می‌یابد ولی گروه دیگرپرستان و اما نظر من: از دستجاتی که در بالا برشمردم این دو دسته را می‌پسندم:

- ۱- آنانکه علم را برای علم می‌خواهند و دقایق شریف عمر خود را منهای آزمندی قارون صفتانه در راه اعتلای علم و تحقیق صرف می‌کنند.
- ۲- آنها که موفقیت خود را مدیون این عوامل اند: علم واقعی - ایثار - تقوی - معنویت و دید وسیع با احترام و تشکر - دکتر معزی

#### ■ پزشک کیست؟

پزشک نیک می‌داند که ساختار بدنی انسان اجازه زندگی طولانی را نخواهد داد، و بالاخره همه سیستمهای بدنی روزی از کار خواهند ایستاد. هدف او سلامتی بشر است او انسان را سالم در جسم و روح می‌خواهد. او همانند فرشته عدالت که عدالتش برای همه یکی است، تلاشش برای همه انسانهاست او بدنبال علوم جدید است، شب با فکر بیمارانش به خواب می‌رود و بفکر این است که از بهترین و ارزاترین راه بیمارانش را درمان کند. او از این کار جز رضای خداوندی و وجدان آرام چیزی انتظار ندارد. او فقط مریض‌اش را می‌بیند او مریض را با خانواده‌اش



وجدان به سوی معنویت و انسانیت پیش می‌رود و پزشک بدون اعتقادات معنوی از عهدهٔ مسئولیت خطیرش برنخواهد آمد.

امیر جباری - دانشجوی پزشکی - علوم پزشکی ایران

■ پزشک، داروساز، فرقی نمی‌کند، هرکس برای اینکه موفق باشد، باید بداند که بقول گفتنی «چند مرده حلاج است» باید همه چیز را برای خودش تبیین کرده باشد یا فی‌الواقع قبلاً با خودش اتمام حجت کرده باشد. باید تواناییهای خود را شناخته باشد و بداند که از زندگی چه می‌خواهد؟ چرا درس خوانده؟ آیا درس خوانده فقط برای اینکه عنوانی داشته باشد و یک ممر همیشه‌گی درآمد؟ یا درس خوانده است تا پیش برود و تا حد امکان سایرین را نیز با خود به بالا بکشد؟ پول و زندگی راحت و بی‌دغدغه را انتخاب کرده یا شور و اشتیاق و لذت هر روز بیش از پیش دانستن را؟ و در مرحلهٔ بعد و هنگام انتخاب شغل نیز وضع به همین منوال است. در واقع باید قبل از مشغول شدن خود را متقاعد کرده باشد چرا کار می‌کند؟ آیا کار کردن را برگزیده که بیکار نباشد؟ آیا می‌خواهد به کارش علاقه‌مند باشد؟ یا نه، هرچه پیش آید، خوش آید! آیا دوست دارد صبح به عشق کار از خواب بیدار شود یا بزور و زحمت و با تکرار هرروزهٔ این جمله که «باز هم یک روز دیگر». باید بداند که آیا غباری بوده در چنگال تند باد زمانه و اقتصاد جامعه و محیط او را در این راه قرار داده است یا خودش راه را با تمام مشکلاتش برگزیده؟ باید در گوشه و کنار ذهنش بدنبال ایمان بگردد؟ آیا او هم می‌خواهد بنشیند از

تجسم می‌کند او متوجه است که در پشت این چهرهٔ مریض چه آمال و آرزوهایی نهفته است او عشق بزندگی را در بیمار با لمس نبض‌اش احساس می‌کند. اطباء و داروسازانی هستند که غالباً منافع اجتماعی را بر نفع شخصی ترجیح می‌دهند این حالت نیز درجاتی دارد از دیگر پرستی ضعیف گرفته تا حداعلی که می‌تواند به مقام ایثار - تقوی و معنویت صددرصد برسد - موفقیت این افراد: (که خود را و علم خود را در خدمت جامعه وقف کرده‌اند) مثال: لوئی پاستور - ویلیام هاروی - بوعلی - رازی و چهره‌های زیاد دیگر در گذشته و معاصر.

و بطور خلاصه در این موارد می‌گویند:

براین راد دکتر هزار آفرین

که با نیروی علم و عزم متین

کشاند بلا را بطرف یسار

زند مبتلا را به طرف یمین

دستم را در دست بیمارم می‌گذارم و می‌گویم من در کنار تو هستم به امید خدا...

او در تجویز دارو به بیمارش به هزینه آن فکر می‌کند با خود می‌گوید نکند که از شکم بچه‌اش بزند! وانگهی داروئی که تجویز می‌شود در بازار هست؟ و یا اینکه گزارش بالاخره به ناصر خسرو خواهد افتاد و ... و وقتی مریض‌اش از ناتوانی پرداخت هزینه عمل جراحی گریان می‌شود دست بر سر او گذاشته می‌گوید گریه نکن ای بنده خدا، فقر تو افتخار تو است چرا گریه کنی، کسانی باید گریه کنند که حق را به ناحق می‌فروشند، من از حق خودم می‌گذرم. پزشک با



■ هر انسانی در شرائط و موقعیت اجتماعی، مسئول و سازنده خود و اجتماع است. هرکدام به نوعی و مطابق با نقشی که بر عهده دارند باید برای پیشرفت بسوی جامعه‌ای بهتر و سالمتر تلاش کنند. بالطبع پزشک یا داروساز از این مقوله جدا نیستند و بار بردوش آنها سنگین‌تر است، پزشک یا داروساز نمونه باید مومن، دلسوز، بردبار و عاشق کارش باشد و با مطالعات مستمر و آشنائی از آخرین رویدادهای علمی با تشخیص و درمان درست جامعه‌ای سالم بسازد.

«مریم رازقی»

■ پزشک و داروساز باید همواره توجه کنند که در درجه اول یک انسان بوده و شأن انسانی بالاتر است از اینکه فریفته عنوان و مدرک شوند، خود را فراموش کنند، به ارباب رجوع با دیده تحقیر بنگرند یا بر آنها فخر بفرشند. و اینکه ارزش طبابت را در حد پول و مادیات تنزل ندهند، چرا که هر که گندم بکارد ناچار گاه هم بدست می‌آید و بهره ما از طبابت باید کسب درجات عالی انسانی باشد.

برای اینکه پزشک و داروساز به وظیفه خطیر خود درست عمل کند، باید بیمار را به جای فرزند، همسر، پدر و مادر و برادر ... خود بگذارد، آنگاه اقدام به تجویز دارو نماید. همیشه مد نظرمان باشد که: وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَى النَّاسَ جَمِيعًا: (مائده آیه ۳۲) هر که نفسی را احیاء کند. چنان است که همه جامعه را احیاء کرده است.»

والسلام - محمد صادق تقوی  
دانشجوی سال آخر داروسازی

مشکلات و کاستی‌ها بگوید و ساعتها سخنرانی کند و برای رسیدن دلیر جوانمردی که آستین پالازده تا کاری کند کارستان چشم براه بماند؟ باز هم تکرار می‌کنم، پزشک، داروساز، استاد دانشگاه، ... اگر مصداق جمله آخرین شما باشند، «خویش را گم کرده و منتظر آئینه» موفق نخواهند بود. مشکل ما، خویشتن ماست. اگر درس خواندیم و خود را گم کردیم، فراموش کردیم از کجا بوده‌ایم، پنداشتیم عنوان ما، سرشت ماست، فقط توقع داشتیم از دیگران، جوالدوز را به دیگران زدیم ولی سرانگشت خویش را با سرسوزن ته گرد هم آشنا نکردیم، اگر از همه چیز ناراضی بودیم و بدون در نظر گرفتن شرایط و امکانات و با مشاهده مسیری تا نوک بینی، به انتقادات ناسازنده و ویران کننده پرداختیم، مشکلات را از پیش روی برخواییم داشت، نادرست را ویران کرده و بهترین‌ها را خواهیم ساخت. به امید آتروز ...

« ؟ »

■ «پزشک و داروساز موفق کسی است که همواره خود را به زیور علم و دانش بیاراید و در روابط روزانه خود با بیماران و مراجعین از این گوهر پربها در فکر و عمل الهام گیرد» و نیز «پزشک و دارو پزشک آرمانی کسی است که در حیطة کاری خود بر هر چه ضد علم و دانش است بتازد و با عوامل و عناصری که گلستان زیبای دانش پزشکی و داروپزشکی را با ریشه‌های زهر آگین و آلوده خود در معرض نابودی و پژمردگی قرار می‌دهند همواره در ستیز باشد»

دکتر: م - الف (همدان)